

بررسی اجمالی ادبیات سیاسی - اجتماعی در ایران با نگاه به چند اثر شاخص

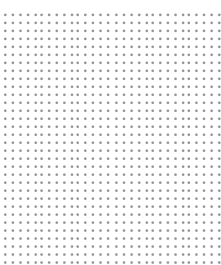
برای آگاهی بخشی و انعکاس خواست مردم



که زن همان نقش مکمل را دارد اما در رمان «ماتروشکا» به قلم شیمای جوادى زندگى دو نسل از زنان آسیب دیده روایت می‌شود. رمان درباره دختری به نام سوداست.

مادر سودا به خاطر آرمان‌های سازمان منافقین او را طرد کرده و دختر با این حس طردشدگی بزرگ و رها شده است. دختر با شخصیتی دوگانه، بزرگ شده که در واقعیت شبیه پدر بیمناک است و در رویاهایش می‌خواهد مادر باشد. سودا می‌خواهد در واقعیت هم راه مادر را ادامه دهد. به همین علت به سمت گروهی سیاسی کشانده شده و در نهایت سرخورده و خوار رها می‌شود. نویسنده با مقایسه دو دوره فعالیت سیاسی در ایران، به آسیب‌هایی که این گروه‌ها به خانواده و نسل‌های بعدی می‌زند می‌پردازد. ماتروشکا نماد مادر است و خانم جوادى قصد دارد جایگاه مادر را در خانواده نشان دهد، این بار از پس یک داستان سیاسی-اجتماعی.

توجه به جامعه و سیاست بخشی از زندگی روزمره ایرانیان است. ادبیات اجتماعی و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخی ایران جزو جریان‌های محبوب و پرکاربرد بوده است که باید در قالب‌های مختلف چه شعر و داستان و چه مستندنگاری به شکلی جدی‌تر نوشته شود.



ماتروشکا نماد مادر

است و خانم جوادى

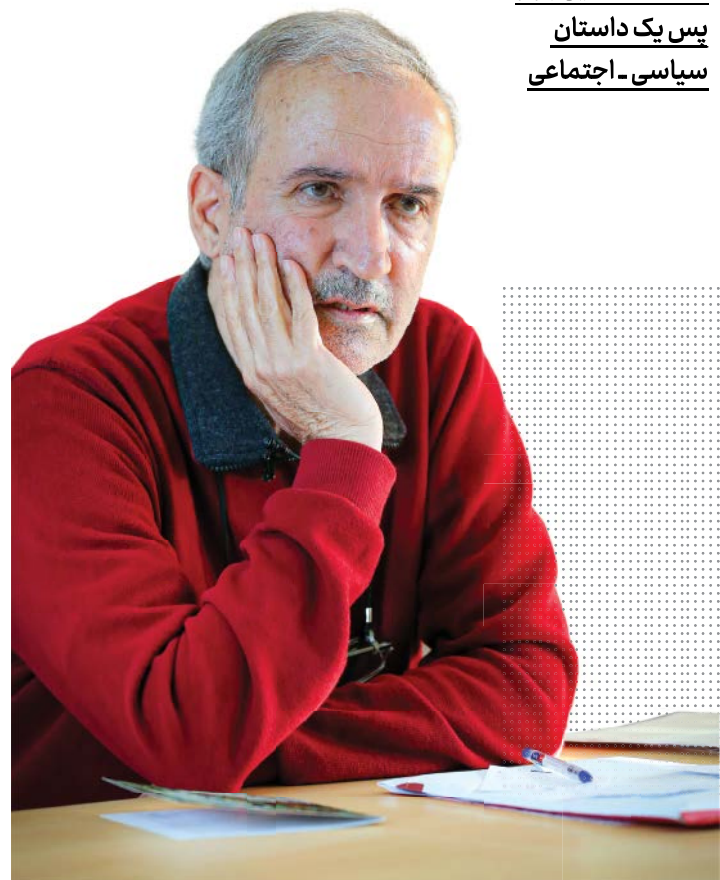
قصد دارد جایگاه

مادر را در خانواده

نشان دهد، این بار از

پس یک داستان

سیاسی-اجتماعی



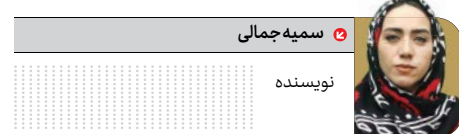
داستان‌هایی که اوایل دوران دفاع مقدس خلق شد قهرمان محور بودند و به صورت پررنگ‌تری روحیه حماسی را تقویت می‌کردند. شاید اولین داستان دفاع مقدس «در انتظار شهادت» به قلم مهدی مشایخی باشد که در سال ۱۳۶۰ نوشته شد. اما تا روزگاری که این گونه در داستان جدی گرفته شود راه درازی در پیش بود. این‌گونه بود که تازه در تیرماه سال ۱۳۶۷ دفتر ادبیات و هنر مقاومت در حوزه هنری شکل گرفت. این دفتر که به همت مرتضی سرهنگی آغاز به کار کرده بود آثار ادبی جدی‌ای را ارائه داد.

همواره وقتی از پدیده‌ای پرتنش دور می‌شویم فرصت بیشتری به وجود می‌آید که با تحلیل و دقت بیشتر به آن رویداد اندیشید. از این رو هرچه از روزهای اولیه انقلاب فاصله گرفتیم آثاری نوشته شد که قهرمانان ایدئولوژیک خارق‌العاده نداشتند. مخاطب به جای هیجان زندگی زودگذر، اندیشمندانه به غرور ملی می‌رسد و می‌تواند از راه همذات‌پنداری با شخصیت‌های کتاب، الگوسازی کند. او می‌اندیشد در شرایط مشابه این همبستگی ملی چطور سبب عبور از بحران می‌شود.

گروهک‌های سیاسی و جناح‌ها نیز دستمایه خلق آثار اجتماعی بسیاری قرار گرفته‌اند. گروهک‌های سرخورده از ایران مثل مجاهدین خلق، سلطنت‌طلبان، فدائیان خلق و... هنوز داستان‌های زیادی برای نقل شدن دارند. «باران تمشک» اثر مصطفی فعله‌گری یکی از آنهاست. شخصیت اصلی داستان، جوانی است به نام سیاوش. او در دوره پهلوی زندانی ساواک بود. باران تمشک از زمانی شروع می‌شود که سیاوش زیر شکنجه‌ها به یاد کودکی و زندگی خانوادگی خود می‌افتد. نویسنده به جای استفاده از روایتی خطی، با استفاده از سیلان ذهن، که در حالت فشار روحی بسیار عادی است، مدام به گذشته و زمان حال داستان تردد می‌کند. آقای فعله‌گری با نثری گرم و استفاده از متدهای داستانی، به روش مبارزه مسلحانه گروهک فدائیان خلق اعتراض می‌کند.

نوشتن از محمدرضا پهلوی در این دوران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. نویسنده‌ای مثل آقای محمدکاظم مزینانی قرار نیست از همان ابتدا شاه را مورد لعن و نفرین قرار دهد. او در «شاه بی‌شین» واقعا شاهی را نشان می‌دهد که چیزی از او کاسته شده، تاجش. داستان از روزگاری شروع می‌شود که شاه یک مملکت، در غربت با درد جسمانی و شکست هیمنه رقت برانگیز شده است. استفاده از نظرگاه دوم شخص، شکست خط روایی و پیش‌بردن داستان به واسطه روایان متعدد شاه بی‌شین را به یک اثر متفاوت تبدیل کرده است. قصه پهلوی معمولاً تا روزگار خروج شاه از ایران و پیروزی انقلاب پرتکرار است و روایت دوران پس از خروج او، نحوه زندگی و مرگ یک دیکتاتور بخش کمترشنیده شده است که به قلم آقای مزینانی، خواندن آن تر است.

نوشتن از آسیب‌های زنان در ادبیات انقلاب چندان قدمتی ندارد. در آثار اولیه اگر شخصیت زن وجود داشت، نقش مکمل مرد بود. مثلاً در «مرا ببوس» مخملباف نشانی از داستانی عاشقانه می‌یابیم



جریان‌ها و سبک‌های ادبی پارسی به دو دوره بزرگ کلاسیک و معاصر تقسیم می‌شوند. دوره کلاسیک سبک‌های آذربایجانی، خراسانی، دوره بازگشت، عراقی و هندی را شامل می‌شود که بیشتر مختص شعر بوده است و در دوره معاصر این جریان‌ها را به ادبیات سیاسی-اجتماعی، رمان تاریخی، ادبیات اقلیمی و روستایی، پاورقی نویسی و ادبیات عامیانه و داستان کوتاه تقسیم می‌کنند. شعر یا داستانی که همراه توده مردم است، آینه دغدغه آنان بوده؛ گاه منتقد حکومت و خواستار اصلاح یا دگرگونی آن است ادبیات سیاسی-اجتماعی نام می‌گیرد.

پیشینه ادبیات اجتماعی را می‌توان لابه‌لای ابیات شاعران کهن پارسی‌گوی یافت. حبسیه‌های دوره خراسانی در شعر ناصر خسرو قبادیانی نمونه مشهور این گونه است. در سبک عراقی هم حافظ، سعدی، نظامی و مولانا ابیات اجتماعی-انتقادی زیادی دارند. به عنوان نمونه حافظ، با رندی و زیرکی و با زبان طنز و کنایه به هرآنچه در جامعه بوی زهد و ریا می‌داده معترض بوده است اما این ابیات در میان اشعار غنایی یا حتی تعلیمی تنها ردی گذرا بودند تا پیش از دوره مشروطه. در دوره مشروطه گمان ادیبان این بود که زمان سرودن از خال و خط معشوق گذشته و شعر را به میان مردم آوردند. از آن روز ادبیات در خدمت انقلاب قرار گرفت. بنابراین امثال فرخی یردی، میرزاده عشقی و ابوالقاسم لاهوتی ادبیات را به وسیله‌ای برای انعکاس خواست مردم کوچه و بازار تبدیل کردند. ادبیات اجتماعی-سیاسی مردم را به مبارزه دعوت می‌کند، وسیله‌ای برای آگاهی‌بخشی است و درصدد رساندن پیام جامعه یا گروهی به عموم است. ادبیات اجتماعی گاه افق امیدواری را به دید مردم می‌کشد و گاه از زشتی‌های جامعه می‌گوید. استعاره و نماد در این گونه کاربرد دارد و برخی نمادها پرچم این اشعار و داستان‌ها هستند. کبوتر، اهریمن، خورشید، صبح، ظلمت و... .

ادبیات اجتماعی و سیاسی در شکل مژده‌دهنده و هشداردهنده، در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی سال ۵۷ شکلی واضح‌تر به خود گرفت. شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی و شهریار، در اشعار خود هم از بی‌عدالتی اجتماعی، فقر، فساد و ستم حاکمان می‌سرودند و هم مژده‌رهایی از بند را می‌دادند. تشویق به همدلی و حضور که از عناصر ادبیات انقلاب بود در دوره دفاع مقدس در ادبیات پایداری با تغییراتی ادامه یافت. با گذشت مدت کمی از جنگ تحمیلی، شاعران که به خوبی می‌دانستند برای دمیدن روح حماسه و قهرمانی، سلاح کلمه چه اندازه بران و قوی است، با اشعار خود به رزمندگان روحیه می‌دادند و مردم عادی را به مشارکت دعوت می‌کردند. داستان اما کمی دیرتر متولد شد و برای ورود جدی به این حوزه هنوز به زمان نیاز داشت.